



مجله علمی

مدیریت نوآفرینی

Innovation
management

شناسایی و اولویت-بندی موانع اجرای سیاست-های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی با استفاده از روش تصمیم-گیری چندمعیاره با رویکرد نوآورانه

هادی ابوالفتحی^{۱*}، احمدرضا سلیمانی خالدآبادی^۲

چکیده	اطلاعات مقاله
با توجه به این که اجرای درست سیاست‌های مالی دولت برای رشد و توسعه اقتصادی یا خارج‌سازی اقتصاد سازمان‌ها از رکود، جزء وظایف مهم هر سازمان بشمار می‌رود؛ این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره با رویکرد نوآورانه صورت گرفت. این پژوهش از نظر هدف به صورت کاربردی، از نظر ماهیت و روش انجام به صورت توصیفی-پیمایشی و از لحاظ نوع داده‌ها، کمی است. جامعه آماری متشکل از تعداد ۲۵۰ نفر از کارکنان شرکت بازرگانی پتروشیمی بود که براساس نمونه-گیری تصادفی ساده و فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۱۵۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود؛ روایی محتوایی آن توسط صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با ضریب بالای ۰/۷۹ تأیید شد. در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش آمار استنباطی نیز ابتدا از آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت تشخیص نرمال بودن داده‌ها، از آزمون KMO و بارتلت جهت بررسی کفایت نمونه‌گیری و تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل سلسله مراتبی استفاده شد. داده‌ها توسط نرم-افزار SPSS26 و نرم‌افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. چهار مانع اصلی اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی شناسایی و دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی، موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان، موانع مربوط به مجریان و موانع منابع انسانی-مالی شرکت. موانع شناسایی شده به ترتیب اولویت شامل موانع مربوط به مجریان، موانع انسانی-مالی شرکت، موانع محتوایی و ساختاری سیاست‌های مالی و موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان می‌باشند. در بررسی روابط بین موانع شناسایی شده مشخص شد که روابط بین موانع اشاره شده با ضریب همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ لذا، بین موانع شناسایی شده، ارتباط معنادار وجود دارد.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵
اجرای خط‌مشی، سیاست‌های مالی دولت، شرکت بازرگانی پتروشیمی، رویکرد نوآورانه	کلیدواژه‌ها

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

ایمیل: Ha.Abolfathi@iau.ac.ir

* نویسنده مسئول: هادی ابوالفتحی

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

تجربه بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ که در آن ریسک از بازارهای اعتباری املاک و مستغلات از راه بانک‌ها به شرکت‌های بیمه سرایت کرد، سیاست‌های احتیاطی کلان را به بخشی مهم از سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان تبدیل کرده است. این بحران در سال ۲۰۰۸ در بخش بازار وام‌های رهنی درجه دو آغاز شد و به سرعت به بقیه اقتصاد گسترش یافت و باعث ایجاد نکول اعتباری و شکست‌های مالی شد. این بحران سطوح ادغام و اثرات سرایت را آشکار کرد که ایجاد مقررات احتیاطی کلان را تسریع کرد (ژانگ و همکاران^۱، ۲۰۲۱). سیاست‌های احتیاطی کلان به دنبال تضمین ثبات در کل سیستم مالی با شناسایی و پرداختن به حوزه‌های آسیب‌پذیری هستند. آن‌ها برای ارتقای رشد و ثبات اقتصادی پایدار از راه اعتبارات طراحی شده‌اند، اما با تشخیص ارتباط متقابل نهادهای درگیر، که بانک مرکزی را قادر می‌سازد تا ثبات سیستم مالی را رصد کند، طراحی شده‌اند (ناکاتانی^۲، ۲۰۲۰). هدف، کاهش احتمال اختلال در سیستم مالی ناشی از شکست‌های سیستمی است.

اقتصاد در هر نقطه دنیا متأثر از تکانه‌هایی است که تغییرات قابل توجهی در سیستم عرضه و تقاضا را موجب شده و دولت‌ها از دیرباز تا کنون ارتباط بین سیاست‌های مالی^۳ و رشد اقتصادی^۴ را مورد توجه قرار داده‌اند. سیاست‌گذاران نیز با استفاده از سیاست‌های متفاوتی از جمله سیاست مالی، توانسته‌اند اثر تکانه‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی را کنترل و کمینه کنند. در کشورهای صادرکننده نفت که درآمد دولت تحت تأثیر درآمدهای نفتی است، ارتباط زیادی میان قواعد مالی از سوی دولت و وضعیت درآمدهای نفتی وجود دارد؛ از این‌رو، ایجاد نوسان در درآمدهای نفتی بر مسیر سیاست‌های مالی متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را از وضعیت ثابت و پایدار منحرف می‌سازد. بدین ترتیب ضرورت وجود سیاست‌های مالی در این کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است (خداویسی و همکاران، ۱۳۹۸). پیش‌تر باور بر این بود که سیاست‌های مالی، نقش مؤثری در سیکل‌های تجاری ایفا نمی‌کنند، ولی بحران‌های به وجود آمده در سراسر دنیا طی سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران را به سمت بررسی و انتخاب بهترین سیاست‌های پولی و مالی جلب کرده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر خط-مشی‌گذاری که چگونگی عمل در سازمان‌ها و مؤسسات دولتی در آینده را مشخص می‌سازد، باید در مرحله اجرا یا پیاده‌سازی برنامه‌ها و رویه‌های تعیین‌شده، به صورت درست انجام شود؛ زیرا اجرای نامناسب خط‌مشی‌های تدوین‌شده، تمام امیدها را برای رسیدن به اثرات مورد انتظار از بین می‌برد. بر این اساس اجرای درست سیاست‌های مالی به عنوان یک خط‌مشی کلان (ابر خط‌مشی) می‌تواند یک اقتصاد را از رکود خارج سازد و به سمت رونق سوق دهد یا چرخه تولید را در شرایطی بهینه نگاه دارد (خداویسی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه تنوع اقتصادی کشور ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه، رشد حجمی و ارزشی صادرات نفتی و غیرنفتی و تحقق اهداف سیاست‌های مالی ضمن تحریک و تقویت رشد اقتصادی، باعث بهبود و توسعه رشد اقتصادی شده و آثاری مثبت از خود برجای خواهند گذاشته است؛ لذا، ضرورت دارد پژوهش‌هایی در رابطه با شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین سیاست‌های مالی و موانع اجرای این سیاست‌ها در دولت برای تحقق اهداف آتی انجام شوند.

انتقادهای بسیاری نیز از چگونگی و روش اجرای نامناسب خط‌مشی‌های عمومی در ایران وجود دارد؛ سیاست‌گذاران، پژوهشگران، شهروندان و حتی خود مجریان از نحوه اجرای خط‌مشی‌های عمومی ناراضی‌اند. اگرچه پژوهشگران در سراسر دنیا، راههایی متفاوت را برای بررسی مسئله اجرا ارائه نموده و تلاش‌های بسیاری را برای درک، شناخت و کاهش موانع اجرای خط‌مشی‌ها انجام داده‌اند، ولی پرداختن به چنین موضوعی در ایران تازگی داشته و نیازمند پژوهش‌های فراوانی در راستای شناخت موانع و تنگناهای بومی اجرای خط‌مشی‌های عمومی جهت رفع هرچه تمام‌تر آن‌ها و به‌سازی فرایند اجرا است. براساس بند ۴۸ ماده قانون برنامه ششم توسعه کشور، دولت موظف است بمنظور افزایش و ارتقای توان علمی، فناوری و نوآوری در صنعت نفت، معادل ۱ درصد از اعتبارات طرح‌های توسعه‌ای سالانه شرکت‌های تابعه را در طول اجرای قانون برنامه جهت ایجاد ظرفیت

¹. Zhang et al

². Nakatani

³. Fiscal Policy

⁴. Economic Growth

جذب، توسعه فناوری‌های اولویت‌دار نفت، گاز و پتروشیمی و انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌کارگیری آن‌ها در صنایع مرتبط و ارتقای فناوری‌های موجود و بومی‌سازی آن‌ها و کاهش شدت مصرف انرژی ضمن مبادله موافقت‌نامه با سازمان اختصاص دهد. همچنین، گزارش عملکرد این بند را سالانه به کمیسیون‌های انرژی و آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی ارائه کند. بمنظور افزایش ضریب باز یافت مخازن کشور در طول اجرای قانون برنامه، به مقدار ۱ درصد از راه وزارت نفت طی سال اول اجرای این قانون، برنامه جامع صیانتی و ازدیاد برداشت از مخازن هیدروکربوری را با رعایت اولویت‌بندی مخازن به تفکیک نواحی خشکی و مناطق دریایی تهیه سازد. پس از تصویب آن توسط مراجع قانونی، اقدام‌های لازم را انجام داد، ولی با وجود برنامه‌ریزی‌های متعدد و وجود اقدامات قانونی متفاوت درخصوص این سیاست مالی، اجرای آن در شرکت بازرگانی پتروشیمی در عمل با موفقیت و تغییر قابل‌ملاحظه‌ای همراه نبوده است. همچنین، به دلایل متعددی موفقیت چندانی در این زمینه حاصل نشده که این امر منجر به نارضایتی مدیران و ذی‌نفعان این حوزه شده و استمرار این وضعیت می‌تواند باعث وقفه و رکود بیش‌تر در توسعه صنعت نفت و پتروشیمی شود؛ لذا، موارد یاد شده به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم شرکت بشمار می‌رود و این پژوهش بر آن است تا به شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بپردازد تا راهکارهایی را برای رفع این موانع ارائه کند.

سیاست‌های مالی دولت نقش حیاتی در ثبات اقتصادی و توسعه بنگاه‌های دولتی مانند شرکت بازرگانی پتروشیمی ایفا می‌کنند. با این حال، اجرای این سیاست‌ها اغلب با موانع متعددی روبه‌رو می‌شود که به دلیل پیچیدگی محیط کسب‌وکار، ناهم‌آهنگی سازمانی، محدودیت‌های قانونی و عوامل بیرونی مانند تحریم‌ها تشدید می‌شوند. شناسایی و اولویت‌بندی این موانع به‌صورت سیستماتیک، یکی از گام‌های اساسی برای بهبود اثربخشی سیاست‌های مالی در این شرکت است. روش‌های سنتی تحلیل موانع معمولاً مبتنی بر رویکردهای کیفی یا تحلیل‌های تک‌معیاره هستند که ممکن است نتوانند پیچیدگی و تعامل بین موانع گوناگون را به‌طور کامل پوشش دهند. در این پژوهش، از یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) با رویکرد نوآورانه استفاده می‌شود که ترکیبی از روش‌های پیشرفته مانند ANP (فرآیند شبکه تحلیلی)، DEMATEL (روش شناخت روابط علی) و یا رویکردهای فازی را بکار می‌گیرد. این پژوهش با ارائه یک مدل هوشمند چندمعیاره، نه تنها موانع اجرای سیاست‌های مالی را شناسایی و اولویت‌بندی می‌کند بلکه راهکارهای عملیاتی مبتنی بر تحلیل‌های کمی و کیفی پیشرفته ارائه می‌دهد. این مدل می‌تواند به عنوان یک ابزار تصمیم‌گیری استراتژیک برای مدیران شرکت بازرگانی پتروشیمی و سایر نهادهای وابسته به صنعت نفت و گاز مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشد:

سؤال اصلی: موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی کدام‌اند؟

سؤالات فرعی

- ۱) موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی کدام‌اند؟
- ۲) چگونه می‌توان موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی را اولویت‌بندی کرد؟
- ۳) روابط بین موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی چگونه است؟

پیشینه نظری پژوهش

سیاست‌های مالی

سیاست‌های مالی، سیاست‌هایی هستند که دولت‌ها به‌عنوان ابزاری برای کنترل و اثرگذاری بر اقتصاد از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ درواقع می‌توان گفت که به‌دلیل وابستگی بالای اقتصاد و سیاست به‌یکدیگر، نیاز است تا ابزارهایی برای به تعادل رساندن آن‌ها استفاده شود. بسیاری از متغیرهای اقتصادی با تغییر شرایط یا تغییر سایر متغیرها، به‌طور خودکار تغییر می‌کنند. سیاست‌های

مالی، اقداماتی هستند که با قصد قبلی برای تغییر متغیرهای کلان اقتصادی و هدایت اقتصاد در جهت مناسب، استفاده می‌شوند.

سیاست‌های مالی، نقطه تلاقی اقتصاد و سیاست است؛ لذا، دولت‌ها برای رسیدن به اهداف اقتصادی بر بازار کالا و خدمات، سیاست‌هایی را در زمینه تغییر درآمد و هزینه پیاده می‌سازند تا بازار عرضه و تقاضای محصولات را تحت تأثیر بگذارد. مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای اجرای سیاست‌های مالی، تغییر در هزینه‌ها و مالیات است. اهداف دولت‌ها از اجرای سیاست‌های مالی می‌توانند متفاوت باشند؛ برای نمونه در کشورهای توسعه‌یافته، دولت‌ها از ابزارهای سیاست‌های مالی برای کنترل تورم، افزایش اشتغال و از بین بردن رکود استفاده می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه نیز برای افزایش درآمد خود، رشد اقتصادی و افزایش عرضه استفاده می‌کنند. تغییر متغیرهای اقتصادی کلان مانند افزایش تولید ناخالص داخلی^۱ که نشان‌دهنده وضعیت معیشتی مردم جامعه است، نیز یکی از اهداف مهم دولت‌ها می‌باشد.

انواع سیاست‌های مالی

سیاست‌های مالی انبساطی

سیاست‌هایی که سبب می‌شوند فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابند، به سیاست‌های مالی انبساطی معروف هستند؛ در واقع دولت با استفاده از این نوع سیاست‌ها تلاش می‌کند تا پول در گردش و تقاضا برای محصولات و خدمات در جامعه افزایش یابد. کاهش مالیات و افزایش هزینه‌های دولت از انواع ابزارهای دولت برای اجرای سیاست‌های مالی انبساطی می‌باشند. این نوع از سیاست‌های مالی باهدف گشایش در تولید و کاهش بیکاری اجرا می‌شوند. دولت با افزایش هزینه‌های خود، تقاضای مردم را برای خرید کالاها و خدمات افزایش می‌دهد. در نتیجه چرخه تولید بیش‌تر شده و اشتغال نیز افزایش می‌یابد. هنگامی که اشتغال پایین است و بازارها و اقتصاد در حالت رکود خود هستند، از این سیاست‌ها استفاده می‌شود.

سیاست‌های مالی انقباضی

سیاست‌هایی که سبب محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، سیاست‌های مالی انقباضی نام دارند. دولت با استفاده از سیاست‌های مالی انقباضی، سرمایه در گردش را در جامعه کاهش می‌دهد تا تقاضا برای خرید کالا و خدمات کم شود. افزایش مالیات و کاهش هزینه‌های دولت از جمله ابزارهایی برای اجرای سیاست‌های مالی انقباضی است. با افزایش مالیات، هزینه‌های دولت کاهش‌یافته و تقاضا در جامعه نیز کم می‌شود. هنگامی که جامعه در شرایط اشتغال بالا قرار دارد و تورم ناشی از بهره‌برداری اضافی از منابع تولید برقرار است، برای کاهش تقاضا و تورم از این نوع سیاست‌ها استفاده می‌شود.

پرداخت مالیات یکی از الزامات قانونی و از هزینه‌های عمده سازمان‌هاست که می‌تواند تأثیری قابل توجه بر عملکرد مالی و سودآوری آن‌ها داشته باشد. سازمان‌ها همواره به دنبال راهکارهایی برای بهینه‌سازی پرداخت مالیات خود هستند، به گونه‌ای که هم تعهدات قانونی خود را رعایت کنند و هم کم‌ترین هزینه مالیاتی ممکن را متحمل شوند (فریور و زاده، ۱۴۰۳). با کاهش بار مالیاتی، شرکت‌ها می‌توانند منابع مالی خود را بهبود بخشیده و در نتیجه، توان رقابتی خود را افزایش دهند. هم‌چنین، معافیت‌های مالیاتی می‌توانند به عنوان انگیزه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاران عمل کنند. سرمایه‌گذاران به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ریسک پایین‌تر و بازده بالاتر هستند و معافیت‌های مالیاتی می‌توانند این شرایط را فراهم آورند. معافیت‌های مالیاتی اگر به درستی طراحی و هدفمند باشند، می‌توانند به تقویت بخش‌های خاص اقتصاد و ترویج نوآوری و هم‌چنین، به رشد و پایداری کسب و کارهای کوچک کمک کنند. در غیر این صورت، ممکن است منجر به فرار مالیاتی و کاهش درآمدهای دولتی شوند. با داشتن بار مالیاتی کم‌تر، این شرکت‌ها قادر خواهند بود تا در شرایط دشوار اقتصادی، نقدینگی بیش‌تری داشته باشند و از تعدیل نیروی یا تعطیلی جلوگیری کنند. با این حال، لازم است تا دولت‌ها تعادل مناسب بین

^۱. Gdp

حمایت از رشد کسب و کارها و درآمدهای مالیاتی را حفظ کنند. سیاست‌گذاری مناسب و نظارت دقیق بر استفاده از معافیت‌های مالیاتی ضروری است تا از سوءاستفاده و فرار مالیاتی جلوگیری شود (سیف، ۱۴۰۳).

پیشینه تجربی پژوهش

پیرامون مسئله این پژوهش، پژوهش‌ها و مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته‌اند که در ادامه به نتایج برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

رجب‌پور و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر در ایران براساس رهیافت را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش یاد شده عنوان‌شده از آنجاکه سیاست‌های مالی از ابزارهای اصلی دولت برای محرومیت‌زدایی و رفع عدم توازن‌ها هستند، درک مقدار تأثیرگذاری این سیاست‌ها در زمینه‌های یادشده دارای اهمیت است. اجزای سیاست مالی شامل ترکیب مخارج و ترکیب درآمدها بوده که اثر آن بر توسعه فراگیر در دوره ۱۳۶۰-۱۳۹۷ در قالب ۲ مدل رگرسیون‌برداری ساختاری مورد بررسی قرار گرفته‌است. یافته‌ها نشان دادند که بیش‌تر اجزای سیاست مالی دولت به‌جز مخارج اقتصادی، اثری معنادار بر شاخص توسعه فراگیر نداشته و این مخارج نیز تأثیر منفی بر توسعه فراگیر دارند. همچنین، سیاست‌های مالی دولت در دستیابی به توسعه فراگیر یا تسریع آن، ناکام بودند؛ باوجود رسالت قانونی، دولت در بسط همه‌جانبه رفاه و گسترش دامنه آن به تمام گروه‌های اجتماعی، موفق نبوده‌است. تجزیه تاریخی نیز نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ و همراه با تشدید تحریم‌ها و جهش ارزی، رابطه سیاست مالی و شاخص توسعه فراگیر تضعیف شده‌اند. به نظر می‌رسد اصلاح فرآیند بودجه‌ریزی^۱ و توجه هم‌زمان به ۲ قید برابری و پایداری در هدف‌گذاری رشد و توسعه برای تأثیرگذار ساختن سیاست‌های مالی بر توسعه فراگیر، امری ضروری است.

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «اثر سیاست مالی روی نرخ بیکاری و نرخ تورم در استان‌های ایران» انجام دادند. نتایج واکنش استان‌ها نسبت به شوک مثبت سیاست مالی نشان دادند که نرخ بیکاری در برخی از استان‌ها، معنادار و در برخی دیگر، بی‌معناست. زمان‌بندی این واکنش‌ها نسبتاً مشابه، ولی اندازه آن‌ها متفاوت بود. درخصوص واکنش نرخ تورم نیز مشخص شد که صرفاً استان‌های دارای واکنش معنادار نرخ بیکاری، به‌صورت معنادار واکنش نشان دادند. نرخ تورم در استان‌های متفاوت دارای زمان‌بندی نسبتاً مشابه، ولی اندازه‌های متفاوت بود.

عرفانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی «اثرات تعاملی سیاست مالی و پولی و کنش‌های خانوار بر نرخ ارز» را مورد بررسی قرار دادند و اعلام کردند به‌دلیل نوسانات نرخ ارز و تعدد شوک‌های اقتصادی و سیاسی خارجی و داخلی وارده، ابزارهای متفاوت پولی و مالی در طی سال‌های اخیر مورد استفاده دولت و بانک مرکزی قرار گرفته‌اند؛ از این‌رو در تحلیل برآیند نهایی اثرگذاری سیاست‌ها و ابزارها بر نرخ ارز، پیچیدگی قابل‌ملاحظه‌ای پدیدار شد. نتایج پژوهش یاد شده که به بررسی تأثیر شاخص تعاملی سیاست‌گذار پولی، مالی و متغیرهای اقتصادی واجد عکس‌العمل خانوارها بر نرخ ارزی کشور طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۷، با استفاده از مدل TVP-FAVAR پرداخته، نشان دادند که بررسی تابع واکنش آنی نرخ ارز نسبت به تغییر در شاخص تعاملی برآورده شده حاکی از تأثیر مثبت شاخص تعاملی بر روند نرخ ارز است. بررسی اثر شاخص تعاملی ناشی از تجمیع تمامی متغیرهای یادشده بر نرخ ارز نیز نشان داد که در تمامی بازه زمانی مورد مطالعه به‌غیر از دوره رونق درآمدهای نفتی، نرخ ارز همواره به نوسانات سیاست پولی و مالی و تصمیمات خانوار، واکنش مثبت و باثبات داشته‌است. هماهنگی سیاست پولی و مالی، بیش‌تر متأثر از رعایت انضباط مالی دولت است. همچنین، با توجه به اینکه نرخ ارز در ایران لنگر اسمی است و بر اساس برآوردهای انجام‌شده واکنش مثبت نرخ ارز به شوک‌های تعاملی سیاست‌های پولی و ملی مشهود است، بر نقش انضباط مالی دولت بیش‌تر از هر متغیر دیگری در کنترل تورم از راه کانال نرخ ارز تأکید می‌شود.

^۱. Budgeting

اسکافی اصل و حیدرپور (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «طراحی مدلی برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷» انجام دادند. نتایج نشان دادند که مقوله‌هایی مانند بازار رقابتی/ انحصاری، سیاست‌های بیمه مرکزی، کشش قیمتی در صنعت بیمه، تطابق قوانین جاری با نیازهای بازار، پیشگام‌بودن قوانین، نظارت بر صنعت بیمه، تحریم‌ها، روابط بین‌المللی، مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها و تنظیمات ورودی، سیاست سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه، کیفیت و... نقشی بااهمیت در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه دارند.

یاوری و عزیزی (۱۳۹۹) با «بررسی و اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم‌دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین موانع و چالش‌های عدم‌دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه به‌ترتیب شامل موانع ساختاری - مدیریتی، اقتصادی، سیاستی، علمی، اجرایی و فرهنگی - اجتماعی می‌باشند.

پابرجا (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی موانع اجرای خطمشی اصلاح ساختار سازمانی دستگاه‌های اجرایی» به این نتیجه دست‌یافت که موانع اصلاح ساختار سازمانی دستگاه‌های اجرایی شامل موانع فردی، ساختاری و محیطی می‌باشند. رنگریز و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی «موانع اجرای خطمشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب» را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان دادند که موانع مربوط به تدوین خطمشی (۶ مؤلفه)، مجریان خطمشی (۴ مؤلفه)، مدیریتی (۶ مؤلفه)، ساختاری (۸ مؤلفه)، منابع مالی، اطلاعاتی و فناورانه (۴ مؤلفه) و محیطی (۷ مؤلفه) از مهم‌ترین موانع اجرای خطمشی در سازمان‌های دولتی ایران بشمار می‌روند.

شیخ حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل خطمشی‌گذاری مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده^۱ ایران» دریافتند که تصمیم‌گیری‌ها در مواردی فراتر از اختیارات مرجع تصمیم‌گیرنده است و خطمشی‌های مالیات بر ارزش‌افزوده با فشار اشخاص، نهادها و وزارتخانه‌های متعددی محدود می‌شوند یا تغییر می‌یابند. تصمیمات حوزه مالیات بر ارزش‌افزوده بعد از اجرای قانون آن، محتاطانه بوده و از الگوی تدریج‌گرایی پیروی کرده‌است. خطمشی‌های مالیات بر ارزش‌افزوده تا حدی شایان‌توجه از مدل ساخت اجتماعی پیروی می‌کنند. برخی تصمیمات مالیاتی جنبه نمادین دارند. خطمشی‌گذاران معمولاً سعی می‌کنند تعداد مؤدیان مالیات بر ارزش‌افزوده محدود باشد. خطمشی‌گذاران با الگو قرار دادن قوانین و مقررات مالیات بر ارزش‌افزوده سایر کشورها، گزینه‌های پیشنهاد شده خود را توجیه می‌کنند. در نهایت، گزینه‌های جایگزین نظام مالیات بر ارزش‌افزوده، همواره در قانون توجه تصمیم‌گیرندگان بوده‌اند.

انور و همکاران^۲ (۲۰۲۳) با استفاده از یک مجموعه داده پنل جدید، تأثیر سیاست‌های پولی و احتیاطی کلان بر وام‌های معوق به عنوان معیاری برای ریسک اعتباری در صنعت بانکداری اندونزی از سه‌ماهه اول ۲۰۱۰ تا سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۲ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که سیاست‌های پولی و احتیاطی کلان به گونه‌ای قابل‌توجه بر ریسک اعتباری تأثیر می‌گذارند. افزون بر این، سیاست‌های پولی سختگیرانه و احتیاطی کلان به ترتیب در بلندمدت ریسک اعتباری را افزایش و کاهش دادند. یافته‌ها همچنین، نشان داد که سیاست پولی انبساطی، ریسک اعتباری را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد. سوشکوا^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «شاخص‌هایی برای ارزیابی سطح ارتقای سیاست‌های مالی دولت اوکراین در زمینه ترویج توسعه پایدار» به این نتیجه رسیدند که سطح حمایت از سیاست مالی توسعه پایدار در اوکراین، اجرای ۱۷ برنامه توسعه پایدار را سرکوب می‌کند و ماهیت تغییرات به سناریوی توسعه بدبینانه و شاخص کل گرایش دارد.

فاریا^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی سیاست‌های مالی در دوران پاندومی کرونا» به این نتیجه دست‌یافت که شوک همه‌گیری بیماری، رتبه‌بندی ضریب سیاست را تغییر داد. بیکاری و اعطای وام، بیش‌ترین آسیب را در طول همه‌گیری به افراد

^۱. Value Added Tax

^۲. Anwar et al

^۳. Sushkova et al

^۴. Faria

رساند؛ درحالی‌که اگر هدف سیاست تثبیت اشتغال در بخش آسیب‌دیده باشد، برنامه‌های تقویت نقدینگی، مؤثرتر از سایر برنامه‌ها می‌توانست عمل کند.

سو^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خویش، ۴ دسته عوامل تأثیرگذار بر اجرای خط‌مشی را این‌چنین اعلام کرد: عوامل خط‌مشی (شامل نوع خط‌مشی، منابع، مشوق‌های خط‌مشی، درجه تغییر و پیچیدگی، سازگاری، مشروعیت، وضوح و مشخص‌بودن خط‌مشی)، عوامل مداخله (شامل ارتباط و هماهنگی، زمان، استراتژی‌های اجرا، آموزش کارکنان، فرایند پذیرش، همبستگی روشن و مستمر، حذف ترس و عدم‌اطمینان)، عوامل محیطی (شامل حمایت اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، زمینه ساختار سازمانی، زمینه جو سازمانی و حمایت سایرین) و عوامل مجری (درک کارکنان، شایستگی کارکنان و تمایل آن‌ها). دیگیاناکیس و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی «اثر سیاست‌های مالی در تقارن سیکل‌های تجاری ۱۰ کشور عضو اتحادیه پولی اروپا^۳ با استفاده از مدل‌های پارامتر متغیر زمانی^۴» را بررسی و یافته‌های پژوهش یاد شده نشان دادند که سیاست‌های مالی اثری مهم بر سیکل‌های تجاری هر ۱۰ کشور دارند؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌های مالی قدرت حمایت از ثبات اقتصادی^۵ در منطقه یورو را به خود اختصاص داده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، به دلیل آنکه به شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی می‌پردازد و نتایج بدست‌آمده در همان شرکت به‌کار گرفته خواهند شد، از نظر هدف به‌صورت کاربردی و از لحاظ روش انجام به-صورت توصیفی - پیمایشی است زیرا به بررسی وضعیت موجود متغیرها می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ نوع داده نیز جزو دسته پژوهش‌های کمی می‌باشد زیرا داده‌ها از راه پرسش‌نامه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت گردآوری شدند. هم‌چنین، به لحاظ افق زمانی از نوع مقطعی می‌باشد زیرا داده‌ها در یک مقطع زمانی گردآوری شدند. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کارکنان شاغل در شرکت بازرگانی پتروشیمی به‌تعداد ۲۵۰ نفر بود که براساس جدول کرجسی مورگان، حجم نمونه ۱۵۲ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش تصادفی ساده و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۲۵ گویه است که ۴ مؤلفه موانع ناشی از مجریان (گویه‌های ۱ تا ۹)، موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌ها (گویه‌های ۱۰ تا ۱۶)، موانع منابع انسانی-مالی شرکت (گویه‌های ۱۷ تا ۲۱) و موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان (گویه‌های ۲۲ تا ۲۵) را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی پرسش‌نامه براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ تعیین شد. در این پژوهش برای بررسی روابط بین شاخص‌های شناسایی‌شده و متغیرها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) به‌کمک نرم‌افزار لیزرلو SPSS26 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

موضوع	فراوانی	درصد
زن	۴۰	۲۶/۳
مرد	۱۱۲	۷۳/۷
جمع کل	۱۵۲	۱۰۰

۱. Su

۲. Degiannakis et al

۳. EMU

۴. TVP

۵. Economic Stability

۲۷	۴۱	کاردانی	
۴۶/۱	۷۰	کارشناسی	
۲۵/۷	۳۹	کارشناسی ارشد	مدرک تحصیلی
۱/۳	۲	دکتری	
۱۰۰	۱۵۲	جمع کل	
۲۶/۳	۴۰	۱ تا ۱۰ سال	
۵۵/۹	۸۵	۱۱ تا ۲۰ سال	
۱۷/۸	۲۷	بیش از ۲۰ سال	سابقه کار
۱۰۰	۱۵۲	جمع کل	

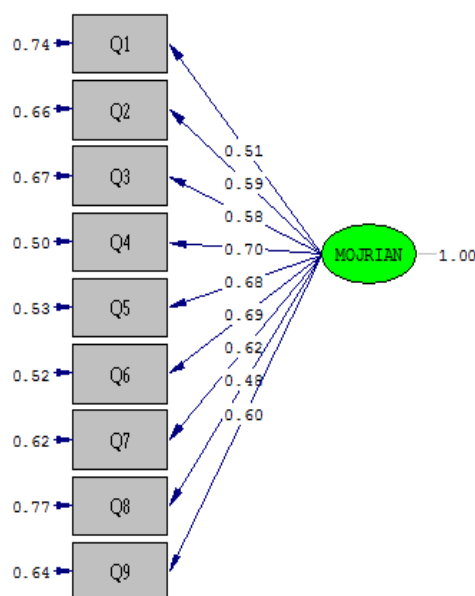
چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۵۲ نفر پاسخ‌گو، جنسیت ۲۶/۳ درصد آن‌ها زن و ۷۳/۷ درصد باقی‌مانده مرد بود. به لحاظ مدرک تحصیلی ۲۷ درصد دارای مدرک کاردانی، ۴۶/۱ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۲۵/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱/۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند. به لحاظ سابقه کار نیز ۲۶/۳ درصد پاسخ‌گویان بین ۱ تا ۱۰ سال، ۵۵/۹ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۷/۸ درصد بیش‌تر از ۲۰ سال سابقه کار داشتند.

پاسخ به سؤالات پژوهش

بمنظور شناسایی و دسته‌بندی موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی، شاخص‌های استخراج‌شده از مبانی نظری براساس نظر خبرگان و اساتید در ۴ عامل موانع مربوط به مجریان، موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌ها، موانع منابع انسانی - مالی شرکت و موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان دسته‌بندی شدند. بمنظور بررسی و تحلیل شاخص‌های سنجش هرکدام از موانع، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که در ادامه نتایج ارائه می‌شود.

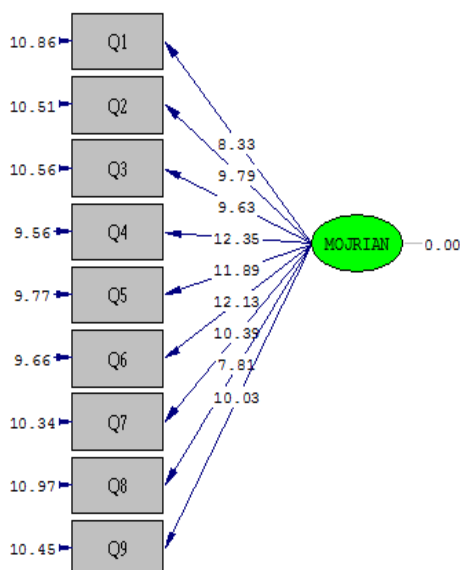
تحلیل عاملی تأییدی موانع مربوط به مجریان

در نمودارهای ۱ و ۲ خروجی نرم‌افزار لیزرل درباره تحلیل عاملی تأییدی یا مدل اندازه‌گیری مربوط به متغیر موانع مربوط به مجریان مشخص هستند. این متغیر با شاخص‌های ۱ تا ۹ پرسش‌نامه، اندازه‌گیری شد.



Chi-Square=56.16, df=27, P-value=0.00000, RMSEA=0.068

نمودار ۱. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب تخمین استاندارد مربوط به موانع مربوط به مجریان



Chi-Square=56.16, df=27, P-value=0.00000, RMSEA=0.068

نمودار ۲. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب معناداری مربوط به موانع مربوط به مجریان

جدول ۲. بار عاملی و ضریب معناداری مربوط به موانع مربوط به مجریان

متغیر	شاخص‌ها	بار عاملی	ضریب معناداری	نتیجه
موانع مربوط به مجریان	۱	۰/۵۱	۸/۳۳	تأیید
	۲	۰/۵۹	۹/۷۹	تأیید
	۳	۰/۵۸	۹/۶۳	تأیید
	۴	۰/۷۰	۱۲/۳۵	تأیید
	۵	۰/۶۸	۱۱/۸۹	تأیید

تأیید	۱۲/۱۳	۰/۶۹	۶
تأیید	۱۰/۳۹	۰/۶۲	۷
تأیید	۷/۸۱	۰/۴۸	۸
تأیید	۱۰/۰۳	۰/۶۰	۹

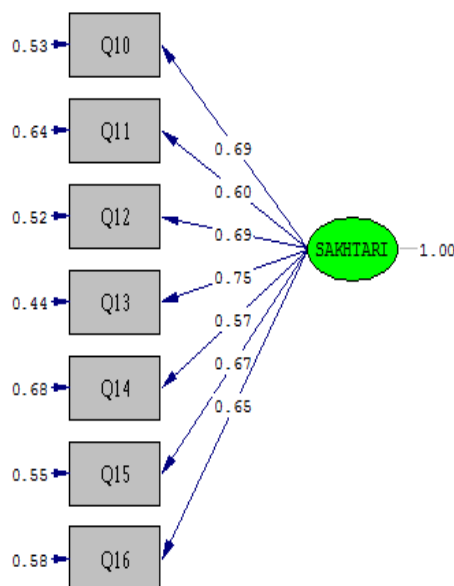
با توجه به نمودارهای ۱ و ۲ و جدول ۲، بار عاملی تمام سؤالات بالاتر از ۰/۴ و تمامی ضرایب بدست آمده معنادار می باشند (بزرگ تر از ۱/۹۶ هستند)؛ لذا هیچ کدام از شاخص های متغیرها از مدل حذف نمی شوند. جدول ۳ نیز شاخص های برازش مدل اندازه گیری را نشان می دهد که بیانگر برازش مدل می باشد.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل اندازه گیری موانع مربوط به مجریان

شاخص	مقدار
کای اسکوار تقسیم بر درجه آزادی	۲/۰۸
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۸۵
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۸۷
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۸۴
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۶۸

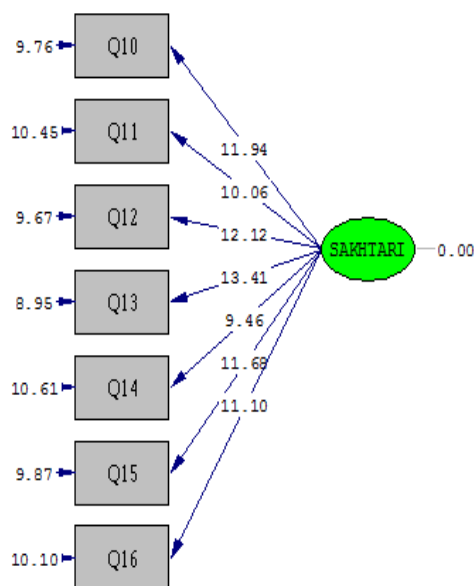
تحلیل عاملی تأییدی متغیر موانع ساختاری و محتوایی سیاست های مالی

در نمودارهای ۳ و ۴ خروجی نرم افزار لیزرل درباره تحلیل عاملی تأییدی یا مدل اندازه گیری مربوط به موانع ساختاری و محتوایی سیاست های مالی مشخص هستند. این متغیر با شاخص های ۱۰ تا ۱۶ پرسش نامه، اندازه گیری شد.



Chi-Square=21.13, df=14, P-value=0.00027, RMSEA=0.044

نمودار ۳: خروجی نرم افزار درباره ضرایب تخمین استاندارد مربوط به موانع ساختاری و محتوایی سیاست های مالی



Chi-Square=21.13, df=14, P-value=0.00027, RMSEA=0.044

نمودار ۴. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب معناداری مربوط به موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی

جدول ۴. بار عاملی و ضریب معناداری مربوط به موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی

متغیر	شاخص‌ها	بار عاملی	ضریب معناداری	نتیجه
موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی	۱۰	۰/۶۹	۱۱/۹۴	تأیید
	۱۱	۰/۶۰	۱۰/۰۶	تأیید
	۱۲	۰/۶۹	۱۲/۱۲	تأیید
	۱۳	۰/۷۵	۱۳/۴۱	تأیید
	۱۴	۰/۵۷	۹/۴۶	تأیید
	۱۵	۰/۶۷	۱۱/۶۸	تأیید
	۱۶	۰/۶۵	۱۱/۱۰	تأیید

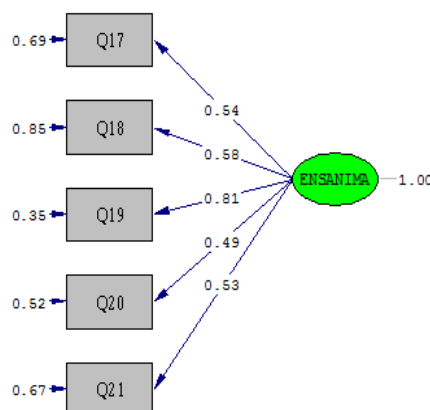
با توجه به نمودارهای ۳ و ۴ و جدول ۴، بار عاملی تمام سؤالات بالاتر از ۰/۴ و تمامی ضرایب بدست‌آمده معنادار می‌باشند (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند)؛ لذا، هیچ‌کدام از شاخص‌های متغیرها از مدل حذف نمی‌شوند. جدول ۵ نیز شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد که بیانگر برازش مدل می‌باشد.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی

مقدار	شاخص
۱/۵۰	کای اسکوار تقسیم‌بر درجه آزادی
۰/۸۸	شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)
۰/۸۹	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۸۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۴۴	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، (RMSEA)

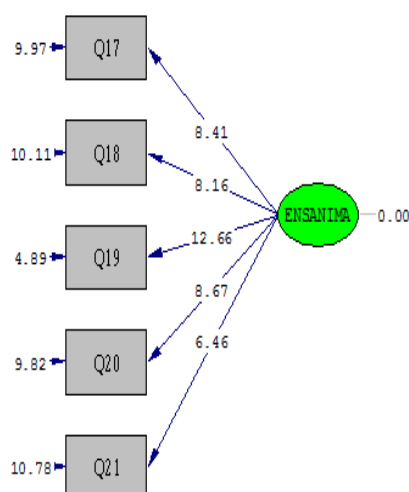
تحلیل عاملی تأییدی متغیر موانع منابع انسانی - مالی شرکت

در نمودارهای ۵ و ۶ خروجی نرم افزار لیزرل درباره تحلیل عاملی تأییدی یا مدل اندازه گیری مربوط به متغیر موانع منابع انسانی - مالی شرکت نشان داده شده است که با شاخص های ۱۷ تا ۲۱ پرسش نامه اندازه گیری شده اند.



Chi-Square=12.11, df=5, P-value=0.00009, RMSEA=0.065

نمودار ۵. خروجی نرم افزار درباره ضرایب تخمین استاندارد مربوط به موانع منابع انسانی - مالی شرکت



Chi-Square=12.11, df=5, P-value=0.00009, RMSEA=0.065

نمودار ۶. خروجی نرم افزار درباره ضرایب معناداری مربوط به موانع منابع انسانی - مالی شرکت

جدول ۶. بار عاملی و ضریب معناداری مربوط به موانع منابع انسانی - مالی شرکت

نتیجه	ضریب معناداری	بار عاملی	شاخص ها	متغیر
تأیید	۸/۴۱	۰/۵۴	۱۷	موانع منابع انسانی - مالی شرکت
تأیید	۸/۱۶	۰/۵۸	۱۸	
تأیید	۱۲/۶۶	۰/۸۱	۱۹	
تأیید	۸/۶۷	۰/۴۹	۲۰	
تأیید	۶/۴۶	۰/۵۳	۲۱	

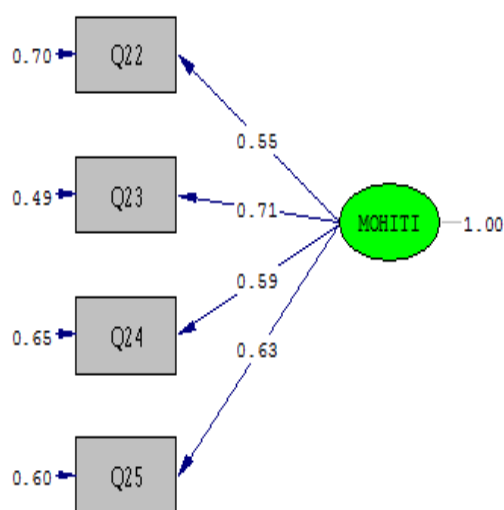
با توجه به نمودارهای ۵ و ۶ و جدول ۶، بار عاملی تمام سؤالات بالاتر از ۰/۴ می‌باشد و تمامی ضرایب بدست‌آمده معنادار می‌باشند (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند)؛ لذا، هیچ‌کدام از شاخص‌های متغیرها از مدل حذف نمی‌شوند. جدول ۷ نیز شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد که بیانگر برازش مدل می‌باشد.

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری موانع منابع انسانی - مالی شرکت

شاخص	مقدار
کای اسکوار تقسیم‌بر درجه آزادی	۲/۴۲
شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)	۰/۸۶
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۸۹
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۸۹
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، (RMSEA)	۰/۰۶۵

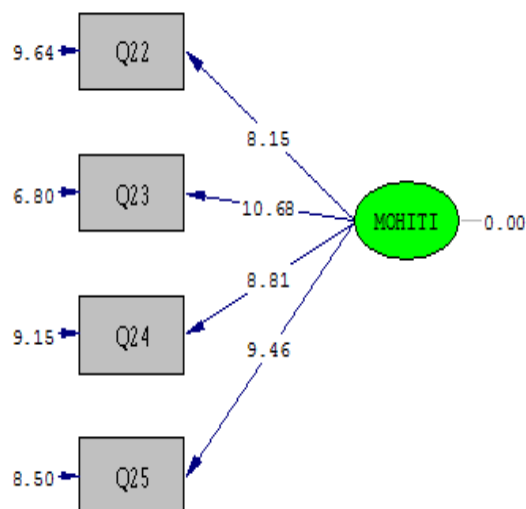
تحلیل عاملی تأییدی متغیر موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان

در نمودارهای ۷ و ۸ خروجی نرم‌افزار لیزرل درباره تحلیل عاملی تأییدی یا مدل اندازه‌گیری مربوط به متغیر موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان مشخص هستند. این متغیر با شاخص‌های ۲۲ تا ۲۵ پرسش‌نامه، اندازه‌گیری شد.



$$\text{Chi-Square}=3.42, \text{ df}=2, \text{ P-value}=0.0007, \text{ RMSEA}=0.051$$

نمودار ۷. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب تخمین استاندارد مدل اندازه‌گیری مربوط به موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان



Chi-Square=3.42, df=2, P-value=0.0007, RMSEA=0.051

نمودار ۸. خروجی نرم‌افزار درباره ضرایب معناداری مدل اندازه‌گیری مربوط به موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان

جدول ۸. بار عاملی و ضریب معناداری مربوط به موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان

نتیجه	ضریب معناداری	بار عاملی	شاخص‌ها	متغیر
تأیید	۸/۱۵	۰/۵۵	۲۲	موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان
تأیید	۱۰/۶۸	۰/۷۱	۲۳	
تأیید	۸/۸۱	۰/۵۹	۲۴	
تأیید	۹/۴۶	۰/۶۳	۲۵	

با توجه به نمودارهای ۷ و ۸ و جدول ۸، بار عاملی تمام سؤالات بالاتر از ۰/۴ و تمامی ضرایب بدست‌آمده معنادار می‌باشند (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند)؛ لذا هیچ‌کدام از شاخص‌های متغیرها از مدل حذف نمی‌شوند. جدول ۹ نیز شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد که بیانگر برازش مدل می‌باشد.

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان

مقدار	شاخص
۱/۷۱	کای اسکوار تقسیم‌بر درجه آزادی
۰/۸۸	شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)
۰/۸۹	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۸۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۵۱	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، (RMSEA)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بود. با بررسی آماره آزمون و سطح معناداری بدست‌آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود رابطه بین موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی مورد تأیید قرار گرفت و موانع مورد بررسی به‌صورت زیر اولویت‌بندی شدند:

۱. موانع مربوط به مجریان
۲. موانع انسانی - مالی شرکت
۳. موانع محتوایی و ساختاری سیاست‌های مالی
۴. موانع ناشی از محیط و ذی‌نفعان

در بررسی روابط بین موانع اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی، ضریب همبستگی بدست‌آمده بین متغیرهای شناسایی‌شده نشان داد که روابط بین موانع شناسایی‌شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشند؛ لذا بین موانع شناسایی‌شده ارتباط معنادار وجود دارد. به‌طورکلی نتایج بدست‌آمده از این پژوهش با مبانی نظری و یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی در این زمینه ازجمله پژوهش‌های ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰)، اسکافی اصل و حیدرپور (۱۴۰۰)، یآوری و عزیزی (۱۳۹۹)، پابرجا (۱۳۹۹)، طاهری عطار و همکاران (۱۳۹۸)، رنگریز و همکاران (۱۳۹۷)، شیخ حسنی و همکاران (۱۳۹۷)، سوشکوا و همکاران (۲۰۲۱)، فاریا (۲۰۲۱)، موسلی و تومان (۲۰۲۱)، موروگورداتو و وایت (۲۰۲۰)، گایست (۲۰۱۸)، لیو و ژاو (۲۰۱۸)، فولکرد و همکاران (۲۰۱۶)، یو (۲۰۱۶) و سو (۲۰۱۶) هم‌خوانی دارند.

در بعد موانع مرتبط با مجریان می‌توان گفت که عدم‌باور مجریان به برنامه، حاکمیت تفکر کوتاه‌مدت در بین مدیران، عدم حمایت و پشتیبانی مدیران از اجرای برنامه، بروز اولویت‌های مدیریتی، اقتصادی و سیاسی جدید برای مجریان، عدم‌توانایی در مدیریت تغییر، ثبات‌گرایی و تمایل به حفظ وضع موجود، نبود تفکر سیستمی در مدیران، عدم‌ثبات مدیران در سازمان (تغییر مجریان) و شعارگرایی مدیران (به‌جای عمل‌گرایی) از موانع اصلی اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی بشمار می‌روند.

از بعد موانع ساختاری و محتوایی سیاست‌های مالی می‌توان گفت که آرمانی‌بودن برنامه، عدم انعطاف برنامه نسبت به مسائل جدید، مشخص‌نبودن وظایف و مسئولیت‌های هر قسمت در قبال برنامه، تداخل قوانین و مقررات در سازمان، طولانی بودن سیر مراحل اجرای برنامه، عدم‌وجود برنامه اجرایی و ضعف نظارت بر اجرای برنامه از موانع اصلی اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی بشمار می‌روند.

از بعد موانع منابع انسانی - مالی شرکت می‌توان گفت که کمبود نیروی انسانی شایسته و متخصص، ناکارآمدی منابع انسانی، عدم‌آگاهی نیروی انسانی از اهداف برنامه، مقاومت کارکنان در برابر تغییرات ناشی از اجرای سیاست‌ها، کمبود منابع مالی و بودجه از موانع اصلی اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی بشمار می‌روند.

از بعد موانع مربوط به محیط و ذی‌نفعان نیز می‌توان گفت که اختلاف بین سیاست‌گذاران، مجریان و ناظران، ضعف تعامل و هماهنگی بین سازمانی، بحران‌های محیطی (طبیعی و غیرطبیعی)، عدم‌توافق بر سر مسائل کلیدی و راهبردی بین ذی‌نفعان از موانع اصلی اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی بشمار می‌روند.

بر این اساس، ضرورت ایجاد می‌کند تا با افزایش مقدار تعهد و باور مجریان به سیاست‌های مالی دولت از راه آگاه‌سازی و تشریح فواید و پیامدهای مثبت آن برای سازمان بمنظور جلب حمایت و پشتیبانی آن‌ها از اجرای برنامه، ترویج و اشاعه تفکر سیستمی و بلندمدت در بین مدیران از راه برنامه‌های توسعه مدیران، تقویت مهارت و توانایی‌های مرتبط با مدیریت تغییر در مدیران سازمان از راه برنامه‌های توانمندسازی، آموزش و توسعه مدیران و فرآیندهای کوچینگ و منتورینگ، تقویت ماندگاری و ثبات مدیران در سازمان از راه پیاده‌سازی فرآیندهای جانشین‌پروری، توجه به عمل‌گرایی و عملکرد مدیران در فرآیند انتخاب و

انتصاب مدیران بمنظور کاهش مقدار شعارگرایی در سازمان و تقویت سطح عمل‌گرایی، راه را برای اجرای سیاست‌های مالی دولت در شرکت بازرگانی پتروشیمی هموار خواهد ساخت.

پیشنهادهای پژوهشی بر اساس یافته‌ها

- برگزاری جلسات طوفان فکری با خبرگان صنعت پتروشیمی برای استخراج موانع خاص این حوزه
 - طراحی نقشه راه بهبود سیاست‌های مالی بر اساس موانع پراولویت
 - پیشنهاد سیستم پایش هوشمند موانع با استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بلادرنگ
 - ارائه چارچوب حکمرانی مالی برای کاهش تأثیر موانع بوروکراتیک و قانونی
- محدودیت‌های پژوهش:

- عدم دسترسی کامل به برخی اطلاعات شرکت بازرگانی پتروشیمی
- محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج به سایر شرکت‌های پتروشیمی به دلیل تفاوت در ساختار سازمانی و سیاست‌های داخلی
- تعداد محدود خبرگان و متخصصان آشنا با سیاست‌های مالی شرکت بازرگانی پتروشیمی
- عدم تنوع کافی در نظرات خبرگان به دلیل همگونی فرهنگی یا سازمانی
- زمان محدود برای جمع‌آوری داده‌ها و انجام تحلیل‌های جامع

منابع

- ابراهیمی، نسرين، پدram، مهدی، و موسوی، میرحسین. (۱۴۰۰). اثر سیاست مالی روی نرخ بیکاری و نرخ تورم در استان‌های ایران: رویکرد GVAR، فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی، ۱۵(۵۳)، ۴۸-۲۵.
- اسکافی اصل، مهدی، و حیدرپور، فرزانه. (۱۴۰۰). طراحی مدلی برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷)، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۴۹)، ۲۳۳-۲۵۷.
- پابرجا، نسرين. (۱۳۹۹). شناسایی موانع اصلاح ساختار سازمانی دستگاههای اجرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- خداویسی، حسن، عزتی شورگلی، احمد، و نجارقابل، سمیه. (۱۳۹۸). بررسی ماهیت کینزی یا غیرکینزی اثر سیاست مالی بر مصرف بخش خصوصی: کاربردی از مدل خود رگرسیون برداری نامتقارن آستانه‌ای، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۸(۲۹)، ۱۵۷-۱۸۳.
- رنگریز، حسن، خیراندیش، مهدی، و لطیفی جلیسه، سلیمه. (۱۳۹۷). بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب. سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۱)، ۱۲۷-۱۴۲.
- سیف، نیما. (۱۴۰۳). تأثیر معافیت‌های مالیاتی بر رشد کسب و کارهای کوچک و متوسط، دومین همایش ملی حقوق خصوصی نوین با محوریت کسب و کار و اقتصاد دیجیتال، خمینی شهر
- شیخ‌حسنی، علی، فقیهی، ابوالحسن، و دانش‌فرد، کرم‌اله. (۱۳۹۷). تحلیل خط‌مشی‌گذاری مالیاتی در نظام مالیات ارزش‌افزوده ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۰(۱)، ۱۳۷-۱۶۰.
- عرفانی، علیرضا، اسحاقی گرجی، مجید، و آهنگری زنوزی، صمد. (۱۴۰۰). اثرات تعاملی سیاست پولی و مالی و کنش‌های خانوار بر نرخ ارز (رهیافت TVP-FAVAR)، تحقیقات اقتصادی، ۵۶(۳)، ۵۵۵-۵۸۷.
- فریور، الهه، و زاده، تقی. (۱۴۰۳). استراتژی‌های بهینه‌سازی پرداخت مالیات توسط سازمان‌ها در چارچوب قوانین و مقررات مالیاتی، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، تهران

یاوری، غلامرضا، و عزیزی، وحید. (۱۳۹۹). اولویت‌بندی موانع و چالش‌های عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی و منابع طبیعی. سیاست گذاری اقتصادی، ۱۲ (۲۴)، ۲۰۷-۲۳۵.

- Anwar, C.J., Suhendra, I., Purwanda, E., Salim, A., Rakhmawati, N.A., Jie, F. (2023). Investigating the relationship between monetary policy, macro-prudential policy and credit risk in Indonesia banking industry. *Heliyon*. 2023 Jul 17; 9(7):e18229. doi: 10.1016/j.heliyon.2023.e18229. PMID: 37519658; PMCID: PMC10375795.
- Degiannakis, S., Duffy, D., & Filis, G. (2015). Time-varying Business Cycles Synchronisation in Europe. Forthcoming in: *Scottish Journal of Political Economy*, Online at <https://mpira.ub.uni-muenchen.de/52925/> MPRA Paper No. 52925, posted 15 Jan 2014 19:58 UTC
- Faria-e-Castro, M. (2021). "Fiscal policy during a pandemic". *Journal of Economic Dynamics and Control*, 125, 104088.
- Nakatani, R. (2020). Macroprudential policy and the probability of a banking crisis. *Journal of Policy Modeling*, 42(6), 1169–1186
- Rajabpour, H., Momeni, F., & Nasiri Aghdam, A. (2022). Evaluating the Effect of Fiscal Policy on Inclusive Development in Iran: SVAR Approach. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (90), 9 -39.
- So HyungSok, (2016). "Factors Affecting The Implementation Of Democratic School Management Policy In The Republic Of Korea", (University of Pittsburgh).
- Sushkova, O., Hurochkina, V., Voroshilo, V., & Tumanova, E. (2021). Indicators for assessing state fiscal policy in the context of promoting.
- Zhang, X., Li, F., & Ortiz, J. (2021). Internal risk governance and external capital regulation affecting bank risk-taking and performance: Evidence from PR China. *International Review of Economics & Finance*, (74), 276–292



مجله علمی

مدیریت نوآفرینی

Innovation
management

Identifying and Prioritizing Obstacles to Implementing Government Financial Policies in a Petrochemical Trading Company Using a Multi-Criteria Decision-Making Method with an Innovative Approach

Hadi Abolfathi^{*1}, Ahmadreza Soleimani Khaledabadi²

Article Info	Abstract
Article type: Research Article	Given that the proper implementation of government financial policies for economic growth and development or the organization's economy out of recession is one of the important tasks of every organization; the present study aimed to identify and prioritize the obstacles to the implementation of government financial policies in the Petrochemical Trading Company using the multi-criteria decision-making method with an innovative approach. The present study is applied in terms of its purpose, descriptive-survey in terms of its nature and method, and quantitative in terms of the type of data. The statistical population consisted of 250 employees of the Petrochemical Trading Company, of whom 152 were selected as a sample based on simple random sampling and the Cochran sampling formula. The data collection tool included a researcher-made questionnaire; its content validity was confirmed by experts and its reliability was confirmed using the Cronbach's alpha coefficient with a coefficient of 0.79. In the descriptive statistics section, the mean and standard deviation were used. In the inferential statistics section, the Kolmogorov-Smirnov test was first used to determine the normality of the data, the KMO and Bartlett tests were used to examine the adequacy of sampling, and confirmatory factor analysis and hierarchical analysis were used. The data were analyzed by SPSS26 and LISREL software. Four main obstacles to the implementation of government financial policies in the Petrochemical Trading Company were identified and categorized, which include structural and content obstacles to financial policies, obstacles arising from the environment and stakeholders, obstacles related to executors, and obstacles to the company's human-financial resources. The identified obstacles, in order of priority, include obstacles related to executors, human-financial obstacles to the company, content and structural obstacles to financial policies, and obstacles arising from the environment and stakeholders. In examining the relationships between the identified obstacles, it was determined that the relationships between the mentioned obstacles are significant with a correlation coefficient at a confidence level of 95 percent; therefore, there is a significant relationship between the identified obstacles.
Keywords	Government Financial Policies, Petrochemical Trading Company and Policy Implementation, innovative approach

Publisher: Islamic Azad University Qods Branch

Corresponding Author: Hadi Abolfathi

Email: Ha.Abolfathi@iau.ac.ir

1. Department Public Management, CTB.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

2. Master's degree, Department of Public Administration, Electronic branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran